



۳-۵-۳- ابروان :

- الف) ابروان به شکل مستقیم : مهریان، مثبت و سازگار.
- ب) ابروان پرپشت : شخصیت ثابت، مصمم و با اراده. پرپشت به هم ریخته : با اراده و سخت گیر.
- ج) ابروان با قوس هشت : فعل و جدی.
- د) ابروان گرد : ملایم، فروتن و مهریان.
- ه) ابروان کمی سرپایین : خجالتی و آرام.
- و) ابروان سرپایا : جسور، بی باک.
- ز) ابروان به هم پیوسته : فعل، برتری جو.
- ح) ابروان کشیده که انتهای آن به پایین گراش داشته باشد : رویایی.

۴-۵-۳- چشم‌ها :

- الف) چشمانی که پلک بالایی یک چهارم سیاهی چشم را بپوشاند : مهریان و مثبت.
- ب) چشمانی با پلک‌های گوشتی : خجالتی.
- ج) چشم‌های کمی پف‌آلو د که پلک‌ها کمی سنگین است : شخص مهریان، قابل اعتماد.
- د) چشم‌های با حرکت زیاد : عصبی، مضطرب.
- ه) چشم‌هایی که کم حرکت داشته باشد : شخصیت آرام، ملایم و متفکر.
- و) چشم‌های خیره بدون حرکت : افسرده.

۵-۳-۵- لب :

- الف) لب شل و ول : شخصیت ملایم، مردد و بی اراده.
- ب) لب بسیار فشرده که یک خط مشاهده شود : شخصیت فرمانروا، سرد. عقل و منطق بر احساس غلبه دارد.
- ج) لب فشرده و بسته : شخصیت ثابت و محظوظ.
- د) لب‌های نیمه باز : شخصیت مردد.
- ه) لب بالایی کمی از لب پایین جلوتر : شخصیت مهریان و مثبت.
- و) لب پایینی برجسته‌تر از لب بالایی : با جرأت و جسور.
- ز) لب‌های گوشتی پر : مهریان، جدی در هر زمینه.

۶-۳-۵- گونه :

- الف) در زمان غم و حسادت زیر گونه گود می‌شود.
- ب) در زمان شادی و هیجان زیر گونه پر می‌شود.
- ج) در زمان خشونت حالات عمودی زیر گونه ایجاد می‌شود.

۷-۳-۵- چانه :

- الف) چانه زاویه‌دار : زرنگ، مبتکر، محظوظ، با نشاط.
- ب) چانه فرورفته : مردد.
- ج) چانه گرد برجسته : مصمم، با ثبات.
- د) چانه تیز سه‌گوش : (بستگی به دیگر اعضای چهره دارد). گاه حاضر جواب، نازک بین و نکنن سنج، تند و تیز، و گاهی پر مکرو و حیله.
- ه) چانه با چال زنخدا : شخص پر جنب و جوش و شاد.
- و) چنانچه چانه خانمی پهن باشد : شخصیت مردانه.



آزمون

- ۱- شناخت آناتومی در چهره بردازی چه تأثیری دارد؟
- ۲- استخوان بندی سر از چند قسمت تشکیل شده است؟
- ۳- استخوان های کاسه سر را نام ببرید.
- ۴- استخوان های چهره را نام ببرید.
- ۵- کار عضلات جونده چیست؟
- ۶- کار عضلات پشت سری چیست؟
- ۷- عضله پیشانی زمانی که منقبض شود، به چهره چه حالتی می دهد؟
- ۸- کار عضله شبپوری چیست؟
- ۹- انقباض عضلات چهارگوش چانه، چه حالتی به چهره می دهد؟
- ۱۰- انواع شکل چهره را نام ببرید.
- ۱۱- بر روی یک طراحی، خطوط چهره را با ذکر نام آنها رسم کنید.
- ۱۲- گاسپار لاواتر که بود و چه نظراتی داشت؟
- ۱۳- از نظر لاواتر ابروان به شکل مستقیم، معرف چه شخصیتی است؟



چھرہ پردازی





۱-۶- تاریخچه چهره پردازی در نمایش

در یونان باستان، تس پیس نه تنها مبتکر صورتک برای نمایش‌های تراژدی بود بلکه اولین هنرمندی بود که در مسابقات نمایش در جشنواره دیونیزوس، چهره بازیگرانش را با دُرد و برگ درختان آرایش کرد. در یونان و روم باستان همان گونه که شرح داده شد، بازیگران به دلایلی از صورتک استفاده می‌کردند. چهره پردازی در حد بسیار ابتدایی را در قرون وسطی در درام‌های مذهبی می‌توان یافت. بازیگران همه مرد بودند. داستان نمایش، زندگی حضرت مسیح و قدیسان بود. قدیسان بر چهره آرد مالیده و از ریش و موهای بلند سفید مصنوعی استفاده می‌کردند. چهره فرشتگان نیز سفید بود. شیطان گاه صورتک و گاه رنگ سیاه بر چهره داشت. در قرن شانزدهم میلادی در نمایش‌های کمدی‌الارته، شخصیت‌های طبیعی (عشاق) چهره را سفید می‌کردند و لوده‌های این دوره از پوست و پشم حیوانات برای خود پوسته سر طاسی و ریش و سبیل می‌ساختند. از زمانی که نمایش از فضای بیرونی به فضای درونی آورده شد، به علت نبود وسیله روشناهی صحنه، بازیگران مجبور بودند چهره‌هارا با آرد سفید کنند. در قرن هفدهم میلادی در کشور فرانسه، مولیر^۱، بازیگر و نمایشنامه‌نویس معروف فرانسوی، از چهره‌پردازی استفاده می‌کرد. بازیگران با مالیدن آرد یا پودر بر چهره و رنگ آمیزی گونه‌ها و لب‌ها ایفای نقش می‌کردند. بازیگران مرد کلاه‌گیس‌های بزرگ و بلند مجعد قهوه‌ای و قرمز بر سرگذاشتند، ریش و سبیل کوچک بر صورت داشتند. در قرن هجدهم میلادی در کشورهای فرانسه و انگلستان، بازیگر زن، نخست نوعی خمیر سفید بر چهره مالیده و با رنگ روغنی قرمز، گونه‌ها و لب را رنگ آمیزی می‌کرد. سپس کلاه‌گیس‌های بسیار بزرگ را به کار می‌برد و روی کلاه گیس، پودر سفید می‌زد.

در آن دوران انواع پوادرهای رنگی و معطر موجود بود. بازیگر مرد نیز از همان خمیر و پودر استفاده می‌کرد و ریش و سبیل مصنوعی می‌گذاشت. در قرن نوزدهم میلادی در کشور فرانسه بازیگران زن و مرد از پن کک استفاده می‌کردند. برای تغییر شخصیت، پن کک با رنگ‌های مختلف موجود بود. بازیگر مرد کلاه‌گیس و ریش و سبیل مصنوعی به کار می‌برد. در اوایل قرن بیست با راه یافتن نور بر صحنه و استفاده از برق، تحولی در صحنه به وجود آمد. مابین دو جنگ جهانی، بازیگران چهره را بدون روشی خاص مانند گذشته چهره‌پردازی می‌کردند. در سال‌های سی و چهل میلادی چهره‌پردازی به شکل امروزی ابداع شد و کارخانه‌های لشن^۲، ماکس فاکتور^۳ و غیره، لوازم چهره‌پردازی برای تئاتر و سینما ساختند و روز به روز بر تنوع لوازم جدید، برای بهتر و طبیعی تر نشان دادن چهره بازیگر مقابل دوربین و صحنه تئاتر افزوده شد.

در دوره قاجاریه، شاهد نفوذ نمایش غرب در ایران هستیم. آثار مولیر در این دوره ترجمه می‌شود و اولین شرکت نمایشی به نام «فرهنگ» تأسیس می‌گردد. پس از مشروطیت، با به هم پیوستن هنرمندان و نویسندهایان، اولین گروه نمایشی عصر حاضر با نام «تئاتر ملی» تأسیس گردید. به طور کلی مشاهده می‌شود که از آغاز قرن بیست میلادی فعالیت‌های نمایشی در ایران رواج بیشتری می‌یابد. در این دوران چهره‌پردازی، روش خاصی نداشته و اغلب بازیگران، خود، رنگ‌های زمینه صورت را با چربی و رنگدانه‌ها درست می‌کردند. از دهه ۱۳۴۰ ه.ش لوازم چهره‌پردازی از خارج وارد و چهره‌پردازی بالا لوازم و روش‌های جدید ارائه می‌گردد.

از مراسم نمایش‌های کهن ایرانی می‌توان به نمایش‌های شادی آور دوران صفوی مانند: میرنوروزی، نوروزی خوانی، آتش افروز، غولک، کچلک بازی و غیره اشاره کرد که اغلب از چهره‌پردازی استفاده کرده‌اند. کچلک بازی توسط لوطی‌های کچل محل اجرا می‌شود. اگر سر طاس نبود، آن را طاس می‌کردند. در تمام این نمایش‌ها بقال بازی از پشم حیوانات، ریش و سبیل ساخته می‌شد و برای مُسَن جلوه دادن، بازیگران آرد به سر می‌مالیدند. در تمام این نمایش‌ها بازیگران مرد بودند. پسران جوان، چهره را با سفیدآب، سفید می‌کردند. چشم و ابروان را سرمه می‌کشیدند و گونه و لب‌هایشان را قرمز کرده، کلاه‌گیس زنانه بر سر می‌گذاشتند و نقش زن را ایفا می‌کردند. خوشبختانه امروزه حاجی‌فیروز با چهره سیاه و لباس رنگی در مناسبت ویژه خود در شهر حضور می‌یابد. دیدن او، شادی، زندگی دوباره و تاریخ کهن ما را به ما القا می‌کند. در نمایش شاد سنتی روحوضی یا تخته‌حوضی که در گذشته‌های دور (در مراسم عروسی و جشن‌ها) اجرا



می‌گردید، بر پایهٔ بداهه‌پردازی بازیگران، مسائل و مشکلات زندگی مردم را انعکاس می‌دادند. بازیگر اصلی نمایش، سیاه است که برگرفته از شخصیت‌های نوروزخوانی و میر نوروزی در دوران گذشته است. او چهرهٔ خود را با دودهٔ چوب یا سوخته‌های چوب پنبه، سیاه می‌کرد (تصویر ۱-۶).

در شبیه‌خوانی یا تعزیه که نمایش‌دهندهٔ رویدادهای فاجعهٔ تاریخی کربلا (شهادت امام حسین (ع) و پیروانش به دست سپاهیان یزید) است، ایفای نقش زنان به عهدهٔ شبیه‌خوانان مرد است. چهره‌پردازی تا حدودی در این نوع نمایش به کار می‌رود مانند گل مالیدن بر سر و روی، رنگ قرمز برای نشان‌دادن خون بر سر و روی، چهرهٔ شیطان به رنگ قرمز، و مالک دوزخ و جنیان، خالدار و غیرعادی نشان داده می‌شود (تصویر ۲-۶).



تصویر ۲-۶



تصویر ۱-۶

۲-۶- چهره‌پردازی و شخصیت‌پردازی در نمایش

اصل و ریشهٔ پرسونالیته^۱ به معنای شخصیت و پوشش (صورت ساختگی) و پرسوناز^۲ به معنای شخصیت نمایش است. در طول تاریخ، دانشمندان نظریات خاصی در مورد «شخصیت» داشته‌اند و اغلب بین شخصیت و شخص فرق گذاشته‌اند. آنها بر این باورند که انسان دارای دو ساختار ظاهری و برونی و معنوی یا درونی است. شخصیت ظاهری و برونی، تحت تأثیر محیط‌های طبیعی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. در طرف دیگر شخصیت درونی و معنوی ذات انسان قرار دارد که آن را روح، جوهر یا نفس می‌نامند.

پرسوناز، شخصیت نمایش یا شخصیت معنوی همان صورتک دوران یونان و روم باستان است که بازیگر برای هر یک از نقش‌ها با صورتکی به بازی آن می‌پرداخت. امروزه چهره‌پردازی جایگزین این روش شده است.

بازیگر پس از خواندن متن نمایش، با شخصیت نمایش که باید آن را اجرا کند آشنا می‌شود. سپس شخصیت نمایشی را از نظر ظاهری و احساسات و عواطفی که باید بر روی صحنه ارائه دهد با دقت مطالعه می‌کند. او سعی می‌کند در عواطف و احساسات، نحوه تفکر، عکس العمل و شیوه رفتار او سهیم شود. هدف بازیگر آن است که شخصیت خود را در قالب شخصیت نمایشی نادیده گرفته و از بین ببرد. گاه بازیگر کمی از شخصیت نمایش فاصله می‌گیرد. در این موقع او در صدد یکی‌پنداری دقیق عاطفی نیست و بیشتر متوجه کشف صفات جسمانی و گفتاری متناسب با شخصیت است نه زوایای پنهانی روحش.

از قول بازیگر پرآوازه، سر لارنس اولیویه^۳ گفته شده است که یافتن بینی مناسب، کلید حل معماهای یک شخصیت نمایشی برای او بوده است. گاه بازیگر برای اجرای یک شخصیت نمایشی به یک سلسله از مهارت‌ها مانند ژست‌های قراردادی و سنتی سروکار دارد؛ مانند نمایش کابوکی، نمایش چین، و کاتاکالی هند. در تئاتر غرب این رابطه بازیگر با شخصیت نمایش را می‌توان در لال بازی



مارسل مارسو^۱ مشاهده کرد.

چهره پرداز آگاه است که ظاهر فرد تا حدودی نمایانگر باطن اوست. چهره جزیی از ارگانیسم جسم است که در معرض دید قرار دارد. این قسمت بازگو کننده درون و ذات محسوب می‌شود. چهره پرداز برای نمایش در نقش‌آفرینی، با ظرفت این پیوستگی را با شخصیت بخشیدن ظاهری به چهره، و با برجسته کردن حالات و میمیک بازیگر میسر می‌سازد. چهره پرداز زمانی موفق است که بازیگر این پیوستگی را با دیدن خود در آینه احساس کند. در آن صورت، شخصیت ساخته شده بر چهره، که ظاهر و شخصیت بروني نمایشی است با حس او ادغام شده و او شخصیت ثابت و واحدی را ارائه می‌دهد؛ این یعنی هماهنگی مابین ظاهر و باطن. چهره پرداز با آگاهی به این که هر چهره دارای حالات خاص خود است و در آن چهره بازیگر را به دقت بررسی کرده، بر حسب شخصیت نمایش، حالات و حرکات چهره او را تقویت می‌کند. تمام سعی و کوشش چهره پرداز این است که ظاهر شخصیت نمایش را با ظاهر چهره بازیگر تلفیق کند. و وظیفه بازیگر آن است که با تلاش، این شخصیت نمایشی را ماهراهانه به تماساگر ارائه دهد.

۶-۲-۱_شخصیت نمایشی

۱-۱-۲-۶_لاغر کردن: بعد از فون زدن، سایه‌های صورت را ابتدا در کناره‌های شقیقه‌ها ایجاد کرده و سپس بینی را با سایه، باریک و بلند می‌نمایانند. سپس خطوط دور چشم و کاسه چشم و خط لب ایجاد می‌شود. سایه‌گونه‌ها به صورت شبیه دار و ابروها مطابق با شخصیت مورد نظر اجرا می‌گردد. روشنی‌ها نیز هماهنگ با حجم‌های ایجاد شده ایجاد می‌شود (تصویر ۳-۶).

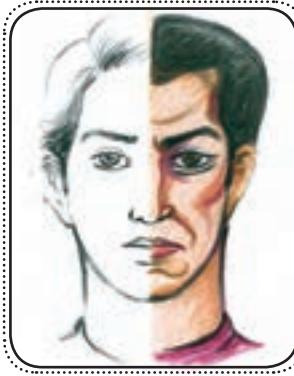
۱-۲-۶-۶_چاق: اگر چهره بازیگر گرد نباشد، با سایه‌ها شکل صورت را به شکل گرد نزدیک می‌کنیم. سایه‌ها در رستنگاه موها، زیر بینی و زیر چانه ایجاد می‌شود. ابرو، چشم و خط لب، گرد و لب‌ها کوچکتر ترسیم می‌گردد (تصویر ۴-۶).

۱-۲-۶-۷_منفی: چشم و ابرو را به هم نزدیک کرده، خط لب بازتر از حد معمول ایجاد می‌شود. سایه‌های شقیقه‌ها عمود بر ابروان رسم می‌گردد. گوشه‌های لب به پایین کشیده می‌شود و زیر لب عضله مریع چانه را مشخص می‌سازند. گونه‌ها بالاتر از حد معمول خود ایجاد می‌شود (تصویر ۵-۶).

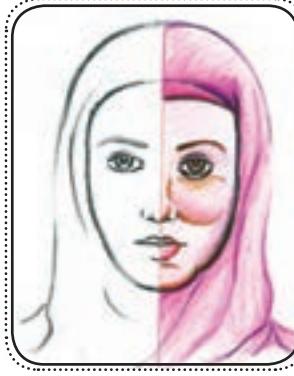
۱-۲-۶-۸_مثبت: فالصله چشم و ابرو را از هم زیاد کرده و خط لب گرد ایجاد می‌شود. گوشه‌های لب به بالا کشیده می‌شود (تصویر ۶-۶).



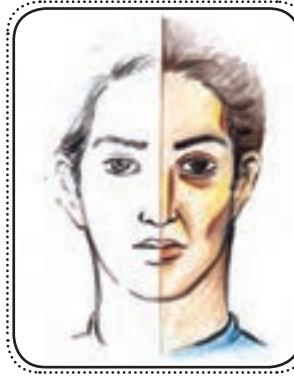
تصویر ۶-۶



تصویر ۶-۵



تصویر ۶-۴



تصویر ۶-۳

۱-۲-۶-۹_معتاد: فن را کمی متمایل به خاکستری کرده، با رنگ قهوه‌ای دودی سایه ایجاد می‌شود. پلک‌ها را دودی



زرشکی کرده و چشم و ابرو (ابوها به صورت افتاده) را از هم باز می‌کنند. لب‌ها با زرشکی دودی رنگ آمیزی شده و به صورت افتاده کار می‌شود (تصویر ۶-۷).

۶-۱-۲-۶- بیمار: فن را متمایل به زرد کرده، با سایه‌ها صورت را ابتدا لاغر می‌کنند. ابروان، گوشه‌های چشم و گوشه‌های لب را به صورت افتاده ایجاد می‌کنند (تصویر ۶-۸).

۶-۱-۲-۶- روش پیرکردن تا ۵۰ سالگی: سایه‌های شقیقه‌ها را ایجاد کرده، خط لب و سایه‌های گونه به صورت افتاده ایجاد می‌شود. سپس خطوط مدور چشم را مشخص می‌سازند. دردو طرف چانه، دو خط کوتاه به صورت عدد ۸ با سایه ایجاد می‌شود. خطوط روی پیشانی را رسم می‌کنند. در این سن، موها را کمی سفید کرده؛ خطوط ریز اطراف چشم نیز رسم می‌گردد (تصویر ۶-۹).



تصویر ۶-۹



تصویر ۶-۸



تصویر ۶-۷

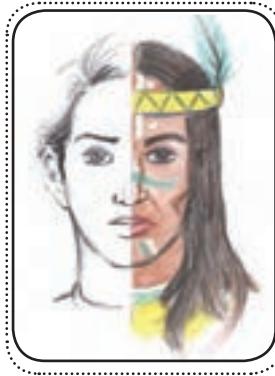
۶-۲-۶- نژادهای مختلف :

۱-۲-۶- سفید پوست (اروپایی): فن چهره در گروه رنگ صورتی روشن کار شود، گونه‌ها مشخص شده و بینی کوتاه می‌گردد. اطراف چشم‌ها با آبی یا سبز کم رنگ، رنگ آمیزی شده، ابروان را به رنگ قهوه‌ای روشن یا زرد در می‌آورند. لب با رنگ صورتی ملایم و کمی باریک ایجاد می‌شود. از کلاه گیس‌های طلایی برای این نژاد می‌توان استفاده کرد (تصویر ۱-۱۰).

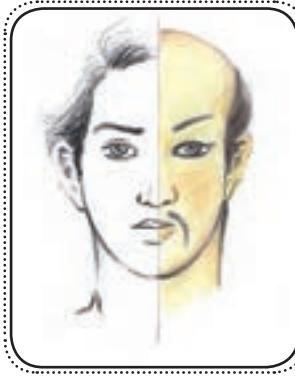
۲-۲-۶- سیاه پوست : فن را به قهوه‌ای دودی متمایل کرده و سایه‌ها را از رنگ فن تیره تر در نظر می‌گیرند. گونه‌ها مشخص ساخته، بینی را پهن و پره‌های بینی را مشخص می‌کنند. چشم‌ها را گرد و ابروان را تیره می‌کنند. لب‌ها درشت‌تر می‌گردد و از موهای فرداسیاه استفاده می‌شود (تصویر ۱-۱۱).

۳-۲-۶- زرد پوست : فن را کمی مایل به زرد کرده با آن روی ابروها را می‌پوشانند. در اطراف چشم‌ها روشنی ایجاد کرده و خطوط چشم را همانند ابروان، سربالا اجرا می‌کنند. لب‌ها کوچک‌تر و از سبیل و ریش کم پشت برای آقایان استفاده می‌گردد (تصویر ۶-۱۲).

۴-۲-۶- سرخ پوست : فن را کمی متمایل به قرمز- نارنجی می‌سازند. گونه‌ها را مشخص و برجسته و بینی را عقابی یا پهن ایجاد می‌کنند. ابروها را تیره رسم کرده، از نقوش خاص قبایل سرخ پوست جهت رنگ آمیزی استفاده می‌کنند. از کلاه گیس و سریند نیز استفاده می‌شود (تصویر ۶-۱۳).



تصویر ۶-۱۳



تصویر ۶-۱۲



تصویر ۶-۱۱



تصویر ۶-۱۰

۶-۲-۳ نمایش کلاسیک^۱

در این سبک نمایش، مظاهر خوبی، راستی، توانایی، شجاعت، بخشناسی، مهربانی، نیکوکاری، گذشت کردن و نجابت، بر جهل، نادانی، خیانت، پستی، دروغ و تزویر پیروز می‌شود. چهره‌ها درشت و عضلانی اجرا می‌شود. سایه و روشن‌ها بر مبنای رنگ‌های لباس، بر چهره انجام می‌گیرد. در نمایش‌های اسطوره‌ای مانند پرومته در زنجیر، موهای شخصیت طلایی یا نقره‌ای رنگ آمیزی می‌گردد. بر روی سر، لای موها و بالای گوش‌ها، شاخ کوچکی به رنگ طلایی یا نقره‌ای نصب می‌شود.

امروزه نمایش‌های کلاسیک اغلب با صورتک‌های نیمه یا کامل از جنس چرم کار می‌شود و گاهی نیز از چهره‌پردازی تلفیقی برای چهره‌ها استفاده می‌کنند و روی موها رنگ آمیزی می‌شود.

۶-۴ نمایش رومانتیک^۲

نویسنده‌گان این سبک هیچ‌گاه مردم را آن گونه که بودند توصیف نمی‌کردند، بلکه آن چنان که باید باشند ترسیم می‌کردند. از این‌رو، این سبک در برابر واقع‌گرایی قرار می‌گیرد. حوادث و تضاد‌های زندگی بشر همراه با تفکرات و تخیلات آدمی ارائه می‌گردد و اغلب بیان احساسات و ارائهٔ حالات شاعرانه، بخش مهمی را تشکیل می‌دهد. نمایش عظمت و نکبت، والاپی و پستی، غم و شادی، به شکلی تنبیه در جریان وقایع به نمایش گذاشته می‌شود.

چهره‌پردازی در این سبک نمایش بر مبنای دکور، لباس و نور انجام می‌پذیرد. از رنگ‌های کمرنگ استفاده می‌شود. در این سبک از نمایش، صحنه‌ها و چهره‌ها باید مانند تابلویی رویایی جلوه کند.

۶-۵ نمایش واقعیت‌گرا یا رئالیسم^۳

از دیدگاه فلسفی، سبک واقع‌گرایانه به «دیدن حقیقت همان‌گونه که هست» تعبیر شده است. در این نمایش، زندگی فردی و اجتماعی آن طور که هست عرضه می‌شود، نه آن گونه که فکر می‌کنیم باید باشد. در این سبک همیشه پیروزی با خوبی‌ها نیست، بلکه مانند وقایع زندگی، گاه آنچه که دلخواه و مورد تأیید تماساًگر نیست نیز واقع می‌گردد. تمام شخصیت‌ها، شخصیت اصلی نمایش هستند. چهره‌پردازی در این روش سعی در نشان‌دادن شخصیت‌هایی کاملاً طبیعی دارد. نمایش معمولاً در تماساخانه‌های متوسط اجرا می‌شود. برای چهره از فن‌های چرب استفاده می‌شود که چهره طبیعی‌تر جلوه کند. به هیچ وجه برای موى و ریش و سبیل از کاموا و طناب استفاده نمی‌شود. چهره‌پرداز موظف است که بیشتر به تقویت حالات صورت بازیگران کمک کند.

۶-۶ نمایش طبیعت‌گرا یا ناتورالیسم^۴

در این سبک، نویسنده‌گان حوادث و وقایع زندگی را با تمام جزئیات، خوبی‌ها، زشتی‌ها و ناکامی‌ها بر صحنه نشان می‌دهند. این سبک نمایش را مکمل نمایش واقع‌گرا می‌دانند. صحنه و لباس با رنگ‌های سرد اجرا می‌شود. طراح چهره‌پرداز نیز برای شخصیت‌های نمایش رنگ‌های سرد را انتخاب می‌کند. گاه برای شخصیت‌های اصلی چهره‌های



تکیده، لاغر و رنگ پریده انتخاب می شود.

۶-۲-۷ نمایش نمادگرا یا سمبلیسم^۱ :

به اعتقاد نویسنده‌گان این سبک، نمایش باید وسیله نجات و رستگاری انسان باشد و تأثیری همانند تأثیر مذهب، بر روح و روان آدمی داشته باشد، از نظر آنان واقعیت دنیای خارج، چیزی بی‌اهمیت بوده و واقعیت حقیقی تر در چیزهای درونی، مذهبی و مرموز نهفته است، ولی چنین واقعیتی را نمی‌توان مستقیماً از راه گفتار، عمل و صحنه‌پردازی ارائه کرد، بلکه باید از نمادها و اسطوره‌ها استفاده کرد. رنگ‌ها نقش اساسی در چهره‌پردازی دارند. مفاهیم رنگی و تأثیر روانی رنگ در صحنه و اثر آن بر تمثیل از موارد بسیار با اهمیت این سبک نمایش است. رنگ دارای مفاهیم خاصی است. محتوا اصلی، رابطه نور و ظلمت است. نور و ظلمت در اساطیر ایرانی، چینی، خاورمیانه‌ای و در نزد سرخ پوستان و... دو نیروی متخاصل خیر یا خوبی و شر یا بدی عنوان شده‌اند.

در این سبک نمایش، صورتک‌ها به عنوان نماد، استعاره و تمثیل ارائه شده و به صورت کامل، متوسط و نیمه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۶-۲-۸ نمایش بیان‌گرا یا اکسپرسیونیسم^۲ :

در این سبک، نویسنده‌گان علاوه‌بر تصویر کردن حالات عذاب‌آور، ناخوش و اغلب تردیک به جنون شخصیت‌های اصلی بودند. نشان دادن شخصیت‌های تنها، سرخورده و درون‌گرایی از جهان بیگانه، از ویژگی‌های این سبک از نمایش است. این گونه از نمایش، بازیگری را می‌طلبید که بتواند احساسات، تمایلات و تأثیرات درونی خود را از طریق حرکات مناسب و حالات چهره به تمثیل‌گر القاء کند. طراح چهره‌پرداز سعی می‌کند با رنگ‌ها؛ سایه‌ها و خطوط، تأثیرات درونی را بر چهره بازیگر بازگو کند. سایه‌ها اغلب با رنگ‌های بنفس آبی، زرشکی آبی، و آبی دودی ایجاد می‌شود.

۶-۲-۹ نمایش فراواقعیت‌گرا یا سورئالیسم^۳ :

این سبک از نمایش تا حدودی شبیه به رومانتیک است، با این تفاوت که در سبک رومانتیک، تخیل محدود ولی در این نمایش، نامحدود و بی‌نهایت است. تمثیل‌گر را به واقعیتی فراتر از زندگی واقف می‌سازد. از صحنه‌های رویایی، عجیب و غریب و نورهای رنگی، سر و صدای موسیقایی جهت تسخیر روح تمثیل‌گر استفاده می‌کند تا او را به دنیای رویایی و خیالی بکشاند. طراح چهره‌پردازی برای چهره‌ها از رنگ‌های گوناگون مات و براق، صورت‌های بزرگ و کوچک و موهای رنگی استفاده می‌کند.

۶-۲-۱۰ نمایش گروتسک^۴ :

گروتسک دارای معانی بسیاری است مانند خوفناک، ناهمانگ، افراطی، طنزآمیز، طعنه‌آمیز، ترس‌آور و کاریکاتور. بارزترین خصیصه گروتسک، عنصر ناهمانگی است. گروتسک با ظاهری خنده‌آور، محتوا ای خوفناک و ترس‌آور را دربردارد. پس از مشاهده اثر، نخست در فرد نشاط و خنده ایجاد می‌شود. طراح چهره‌پرداز، سعی می‌کند از خلال هماهنگی‌های اجزای چهره و بدن بازیگر، ناموزونی‌ها و عدم تناسب‌ها را دریابد و با کمی اغراق آنها را برجسته‌تر کند. برای مثال: بینی درازتر و یا گردن. و به طور کلی برای تک تک اعضای چهره نیز این عمل را انجام می‌دهد. استفاده از رنگ برای ایجاد تضاد در چهره است. گاه رنگ‌های شاد را در مقابل رنگ‌های سرد قرار می‌دهد. صورتک‌های کوچک و بزرگ با نقش‌های ناهمانگ و کاریکاتور مانند برای بازیگر به کار می‌رود. این ناهمانگی نه تنها بر چهره، گاه بر بدن نیز انجام می‌شود، مانند پایی بی‌نهایت بزرگ، یا یک چاقی اغراق‌آمیز و یا یک شکم بی‌نهایت برآمده.

۶-۲-۱۱ نمایش پوچی^۵ :

نویسنده‌گان این سبک معتقد بودند اگر زندگی بی‌معنا و پوچ است، این پوچی را فقط می‌توان به کمک شکلی همان‌قدر پوچ و بی‌معنا بیان کرد. ناامنی، بی‌ریشه‌گی، بی‌تفاوتو و پوچی از ویژگی‌های این نمایش است.

طراح چهره‌پردازی برای این نوع نمایش بر حسب نقش و ماهیت شخصیت‌ها دو نوع طرح ارائه می‌کند. گاه چهره شخصیتی را حقیقی طراحی می‌کند و گاه در مقابل، شخصیتی را با چهره‌پردازی تلفیقی.



۳-۶-۳-۶-۱ چهره پردازی برای سینما و تلویزیون

۱-۶-۳-۶-۱ مختصری از چهره پردازی برای سینما : طراح چهره پرداز، برای شخصیت پردازی، این موارد را باید در نظر بگیرد. آشنایی با سبک و نوع فیلم، نژاد، ملیت، زمان، مکان، روان‌شناسی (شخصیت)، نوع فیلم، حرکت دوربین، اندازه نما، آشنایی با رنگ دکور، لباس، عناصر صحنه و زیبایی‌شناسی. به همین جهت، طراح چهره پردازی برای ارائه کاری صحیح، لازم است از ذهنیت کارگردان و فیلم‌بردار در مورد کاری که می‌خواهد انجام بگیرد اطلاع حاصل کند. به‌طور کلی طراح چهره پرداز، پس از آگاهی از خواسته کارگردان، در طول فیلم‌برداری باید با فیلم‌بردار در ارتباط باشد و با توجه به نظرات آنها، و همچنین ملاحظه طراحی نور، حرکات و زوایای دوربین و بازیگران، طرح‌های مناسب را اجرا کند. انتخاب فن چهره بازیگر دارای اهمیت بسیاری است. نخست رنگ چهره بازیگر مطرح است. آن‌گاه منبع نور که به لحاظ خارجی بودن نما و یا داخلی بودن آن، اهمیت دارد.

هر چهره علاوه بر رنگ اصلی، دارای رنگ‌مایه‌های مختلف است :

الف) چهره با پوست روشن دارای رنگ‌مایه‌های قرمز، آبی و سایه‌های بنفس آبی کم‌رنگ است.

ب) چهره با پوست گندمگون دارای رنگ‌مایه‌اُکر، صورتی و زیتونی با سایه‌های زیتونی دودی یا قهوه‌ای است.

ج) چهره با پوست سبزه دارای رنگ‌مایه‌اُکر، زیتونی، زرد کم‌رنگ با سایه‌های زیتونی دودی است.

د) چهره با پوست سبزه تیره دارای رنگ‌مایه‌های زیتونی، زرد یا بنفس با سایه‌های زیتونی دودی یا بنفس دودی است.

امروزه برای فن بازیگر از فن‌های مایع استفاده می‌شود، چون رنگ جذب پوست می‌شود و چهره را طبیعی تر نشان می‌دهد. برای کلوزآپ (نمای بزرگ) چهره، علاوه بر انتخاب صحیح فن چهره بازیگر، باید رنگ‌مایه‌های بسیار ظرفی بر چهره کار شود. به‌طور کلی فن‌های سینما کدر هستند و با تأثیر فرق بسیار دارند.

طریقه فن زدن به چهره نیز با زدن فن در چهره پردازی برای تئاتر متفاوت است. فن چهره با اسفنج نمناک از بالای چهره، پیشانی شروع به شکل نیم دایره آرام روی چهره ایجاد می‌شود و در بعضی نواحی زیگزاگ، مانند خطوط اطراف لب، تمام چهره، گوش‌ها، گردن، بناگوش، پشت گردن، دست‌ها. برای سایه و روشن از اسفنج استفاده می‌شود : یک اسفنج برای سایه زدن و یک اسفنج برای ایجاد روشنی. در چهره پردازی برای دوربین به طور کلی خط نباید وجود داشته باشد. از رنگ‌های سفید و سیاه استفاده نمی‌شود. برای رنگ سفید از رنگ شیری یا عاجی و از دودی تیره به جای سیاه. برای مدل دادن به ابروان با قلم موی ظرفی، تک مو اضافه می‌شود. سایه‌های چهره بر اساس رنگ چهره یا فن ایجاد می‌گردد. معمولاً از رنگ‌های دودی، زیتونی و غیره استفاده می‌شود. برای نمای بزرگ سایه‌ها از فن یک تا دو درجه تیره‌تر و برای روشنانی، از فن یک تا دو درجه روشن‌تر استفاده می‌شود. ریشه مژه‌ها نقطه‌چین شده و نقطه‌چین‌ها با قلم مو تبدیل به سایه می‌شود. ریمل بدون رنگ برای حالت دادن به مژگان استفاده می‌شود. سعی می‌شود لب‌ها طبیعی نشان داده شوند. در خاتمه پودر بی‌رنگ به تمام چهره زده می‌شود. باید دقت شود پودر ابروان و مژه‌ها، اطراف مو و ریش و سبیل را آغشته نکند. امروزه با فیلم‌برداری با دوربین‌های دیجیتال چهره پردازی باید ظرفی و دقیق‌تر از گذشته اجرا شود.

۱-۶-۳-۶-۲ چهره پردازی برای تلویزیون : چهره پردازی در این مورد مانند سینما، به شکلی ظرفی و دقیق انجام می‌شود.

رنگ‌های فن کدر هستند. در مقابل دوربین تلویزیون، برای انتخاب رنگ چهره باید دقت فراوان شود. چون رنگ‌ها شدت پیدا می‌کنند، لذا برای دکور، لباس و چهره و صورتک نباید از رنگ‌های درخشان استفاده کرد؛ مانند قرمز، نارنجی، زرد و سبز درخشان. اگر لازم باشد که این رنگ‌ها به کار گرفته شود، باید رنگ‌ها را کدر کرد. چهره پردازی بازیگران تله‌تئاتر نیز همانند چهره پردازی تلویزیون انجام



می‌پذیرد. برای چهره‌پردازی مجری تلویزیون برای مثال (مجری اخبار) باید موارد ذیل به کار گرفته شود :

الف) شناخت چهره.

ب) متعادل‌سازی بر چهره انجام شود.

ج) تا حدودی چهره لاغر مجری چاق شود.

د) تا حدودی چهره چاق مجری لاغر شود.

ه) چهره، با تشاط نشان داده شود.

و) هماهنگی مو، ریش و سبیل با فرم چهره.

ز) هماهنگی چهره مجری با رنگ دکور، لباس.

برای نورپردازی روی چهره، نور تخت استفاده می‌شود. نور تخت چهره را شاد و چهره لاغر را کمی چاق و تخت نشان می‌دهد.

برای این نور حتماً باید گونه‌ها فن زده شوند.

۳-۶- شبیه‌سازی : برای نمایش سریال یا فیلم سینمایی که شخصیتی تاریخی را بخواهند نشان دهند، باید بازیگری انتخاب شود که قد، چهره و اعضای آن شبیه شخصیت نمایش باشد. اگر شخصیت دارای چهره‌ای مستطیل، مریع یا مثلث شکل باشد، چهره بازیگر باید نزدیک به این شکل‌ها باشد. فاصله چشم‌ها از هم، از ابروان، به خصوص مدل بینی حائز اهمیت است. چهره‌پرداز می‌تواند تا حدودی این موارد را رفع کند. مدل بینی، فک و برآمدگی بالای ابروان می‌تواند با حجم‌سازی آماده شود. چهره‌پرداز، خود باید در این زمینه تحقیق به عمل آورد و روی چهره، مدل ریش و سبیل و موها مطالعه کند. چهره‌شخصیت نمایش را تمام رخ و نیمرخ در نظر بگیرد تا اگر نیاز به حجم‌سازی باشد، از چهره بازیگر با پودر آرینات قالب گرفته شود و سپس از روی آن قالب، قالب مثبت تهیه شود، و بر قالب مثبت مدل بینی یا فک ساخته شود تا دویاره قالب گیری انجام گردد. اگر گرین برای نمایش صحنه‌ای باشد با لاتکس می‌توان کار را آماده کرد ولی برای تلویزیون و سینما از موادی که کار ظرفیت‌ترمی طلبید باید بهره برد، مانند لاتکس کفی^۱ و دیگر مواد جدیدی که روز به روز از کارخانه‌های لوازم چهره‌پردازی تولید و به دنیای هنر معرفی می‌گردد.



- ۱- چه کسی را اولین مبتکر صورتک در نمایش‌های ترازدی می‌دانند؟
- ۲- در قرن هجدهم میلادی در کشورهای فرانسه و انگلستان چهره‌پردازی بازیگر زن چگونه بود؟
- ۳- در قرن هجدهم میلادی کشورهای فرانسه و انگلستان، چهره‌پردازی بازیگر مرد چگونه بود؟
- ۴- در کدام دوره شاهد نفوذ نمایش غرب در ایران هستیم؟
- ۵- نمایش‌های شادی‌آور دوره صفوی را نام ببرید؟
- ۶- در نمایش سنتی تخته حوضی بازیگر سیاه با چه ماده‌ای صورت خود را سیاه می‌کند؟
- ۷- دو ساختار شخصیت انسان را نام ببرید.
- ۸- چهره‌پردازی در نمایش کلاسیک چگونه انجام می‌گیرد؟
- ۹- چهره‌پردازی در نمایش گروتسک چگونه انجام می‌شود؟
- ۱۰- در چهره‌پردازی سینما رنگ‌مایه‌های مختلف فن را منطبق با رنگ پوست توضیح دهید.
- ۱۱- مواردی که برای چهره‌پردازی مجری تلویزیون باید در نظر گرفت چیست؟